

بررسی زوایای پنهان در غبار آلودگی هوا

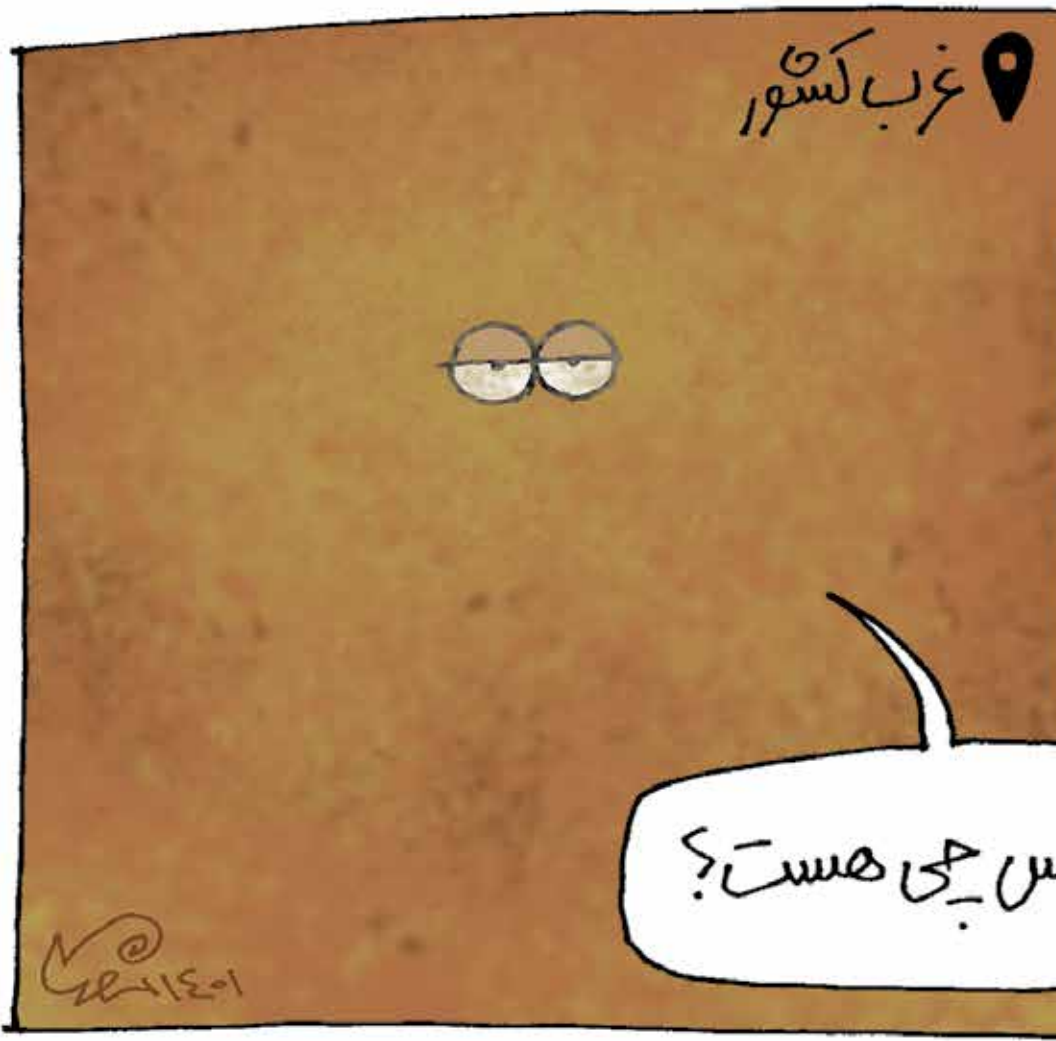
غبار نیمه بهاری



مرزیه ربیعی



سیدمحمدجواد طاهری کارنویست



همگان بهار را به فصل رویش سبزی و شکوفه گیلاس و این قرتی بازی‌ها می‌شناسند. با آغاز قرن جدید نیز همه چیز داشت طبق تصورات همگان پیش می‌رفت که آلودگی و گرد و غبار مانند خروس بی‌محل خودش را انداخت وسط فروردین! در این میان، بسیاری از کارشناسان مردمی سوالی برایشان پیش آمد که چرا وقتی رسم هر ساله خود در روز سیزده بدر را به انجام رسانده و سبزه‌ها را در آب‌های زلال طبیعت پرت کرده‌اند، باز هم اوضاع این چنین شده است؟! این آلودگی ناپهنگام (البته برای تهرانی‌ها، وگرنه برای هموطنان غرب کشور که وقت و هنگام ندارد) ابهامات و نکاتی را نیز در پی داشت که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- پیش از این فقط آلودگی فصل پاییز را داشتیم و دی بود و آلودگی! اما مسئولی فکر این را نمی‌کرد که بهار از این عرضه‌ها داشته باشد و بخواهد آلوده به آلودگی شود. گویا این نوع آلودگی با گرد و غبار از سوی مسئولان، آلودگی سوسولی قلمداد می‌شود. از دید آنها، آلودگی فقط با دود ماشین و کارخانجات صنعتی آلودگی است و بقیه آلودگی‌ها توله‌غبار بوده و ممکن است برای سیستم تنفس انسان‌ها مشکل ایجاد کند. (کلمه ممکن است را با تأکید بخوانید!) لذا در صورت وقوع آلودگی سوسولی، نیازی به تعطیل کردن مدارس که نیست هیچ، مردم هم سعی کنند با آن کنار بیایند. بالاخره آدمیزاد از خاک است و به خاک بازمی‌گردد، حالا می‌خواهد تهرانی باشد یا خوزستانی!

۲- سازمان هواشناسی اعلام کرده بود که شاخص آلودگی چند روز اخیر تا مرز ۵۰۰ هم رسیده. این عدد نشان‌دهنده ذرات معلق آلودگی و میزان گردوغبار در هوا است و ۵۰۰ برای آن خیلی زیاد است، خیلی‌ها... پیشنهاد می‌شود زین پس به جهت حفظ آرامش روانی جامعه، به جای اعلام ذرات معلق، مقدار ذرات اکسیژن معلق در هوا را اعلام کنند.

۳- همان‌گونه که گفته شد در صورت وقوع آلودگی با شن و غبار نیازی به تعطیلی مدارس و ادارات نیست. به گفته کارشناسان امر، همین که گرد و غبار به بینی دانش‌آموزان و دانشجویان نرسد، قضیه حل شده است. لذا دانش‌آموزان از باز کردن در و پنجره در کلاس‌های درس خودداری نموده و در همان محیط بسته مانده تا زنگ را بزنند. بعد از آن همین که وارد حیاط شوند، همگی در افق‌شن‌های روان محو شده و چشم ناظم نیز به آنها نمی‌افتد.

۴- از اتاق فرمان اشاره کردند که دستورالعمل ستاد کرونا، اجازه بستن در و پنجره‌ها را نداده است. پس به خاطر جلوگیری از شیوع بیشتر کرونا، در و پنجره‌هایی را که در مورد بالا بسته بودید چارطاق باز کنید. این ستاد اعلام کرد شوخیه مگه پروتکل‌های بهداشتی رعایت نشود؟

۵- از آنجا که برای داشتن حال خوب لازم است بتوانیم از شرایط موجود با تمام محدودیت‌ها استفاده بهینه کنیم، لذا با توجه به موارد بالا پیشنهاد می‌گردد کلاس‌های ورزش در محیط بسته کلاس و کلاس شیمی و علوم در فضای باز برگزار شوند. در این صورت دانش‌آموزان با استشمام تک تک عناصر جدول تناوبی یا مندلیف، آن را از اعماق وجود حفظ خواهند شد. چه بسا عناصر جدیدی را نیز در قالب گروه نوزدهم و با نام گازهای غباری شناسایی کنند.

۶- گفتیم این سری با یک معضل کاملاً محیط زیستی روبه‌رو بوده و نهایتاً با چند تجمع از سوی کنشگران محیط‌زیست و حامیان فلامینگوهای بختگان حل خواهد شد. اما باز هم ردپای سیاست روی شن‌های روان بیابان‌ها، خودی نشان داده و اعلام کرد: منم بازی! ترکیه که پیش از این روی بازار پوشاک کشور هم چنبره زده بود، چند سالی است که به صرافت تصرف هوای سه کشور همسایه خود هم افتاده است و خودش هم خوب می‌داند آبی که از سدهای روی دجله و فرات بالا می‌کشد، از طلا هم با ارزش‌تر است. آبش برای ترکیه، آلودگی برای بقیه!

شوخی با تیتیر روزنامه‌ها

متن پیشنهادی پیامک برای روز جهانی قدردانی از شوهر

فال روز

دیوانه حافظ

فرشته پناهی و حافظ شیرازی

«وقت عزیزت بیاتاقض کنیم»
یک عمر روزه‌ای که قضایش به دوش ماست



محمده مطهری

پیش به سوی تجارت آزاد
حمله‌ههههههه!

گرانی «درد» بی درمان

مو از درمون و درد و وصل و هجرون
بسندم اونچه رو جیبم قدرت خریدش رو داشته باشه
و یارانه‌ها رو هم ریخته باشن!

سندی برای رفاه، عدالت و کرامت

سند خونه‌های مسکن مهر. تازه منگوله هم داره.

ممنونم‌ها، ولی...



محمدرضا رضایی

- همسر من ممنونم که صبح خروسخوان برای تأمین رفاه خانواده‌ات به سر کار می‌روی. من چون تحمل دوری‌ات را ندارم از غم نبودنت تا ظهر می‌خوابم! ای کاش تو هم مثل شوهرهای مردم تا بوق سگ سرکار می‌ماندی تا من از غم فراققت بیشتر بخوابم. ولی در کل ممنونم که حداقل از صبح تا ظهر نیستی.

- شوهر مهربانم! با خود اندیشیدم که با کدامین هدیه، قدردان زحمات بی‌دریغت باشم؟ دریافتم قلب عاشق تو را هیچ هدیه‌ای جز شادی همسرت، خوشحالی نمی‌کند. پس با چشمانی گریان از شوق، برای خود مانتویی خریدم تا شادی قلبی خویش را به تو هدیه دهم.

سیب‌زمینی

عدس

گوچه

ماست

تن ماهی

نون سنگک کنجدی

اومدنی اینا رو بخیر ببار. راستی امروز روز جهانی قدردانی از شوهره، از طرف من دو بسته چیپس و اسه خودت بخیر؛ فقط سرکه نمکی نگیری! دوست ندارم.

- عزیزم! امسال برای اولین بار می‌خواهم در روز قدردانی از شوهر، قدردان زحمات باشم. ای کاش زودتر از اینها می‌فهمیدم که چنین روزی هم در تقویم داریم؛ چه روزهایی را برای قدردانی از دست دادم. راستی ماشین رو هم بردن پارکینگ، گفتن دو و سیصد باید جریمه بدی که آزادش کنن. پیشاپیش ممنون...

- همسر! صبح تا شب و شب تا صبح یاد تو از خاطر من نمی‌رود. همه‌جا جلوی چشمانم هستی. هر کار می‌کنم از ذهنم پاک نمی‌شوی. بابا بیا این جوراب کثیف‌تو از زیر میبل بردار، خونه رو بوت برداشته. ممنون



طوبی عظیمی‌نژاد

زیرکی را گفتیم این احوال بین خندید و گفت

صعب روزی بوالعجب کاری پریشان عالمی
ای صاحب فال؛ گویا کاری کرده‌ای که اکنون در وضعیت بدی به سر می‌بری. احوال تو مانند کسی است که روی آزه نشست، نه راه پس دارد و نه راه پیش. آن روزی که مهریه را هزار و سیصد و اندی انتخاب می‌کردی و از کرده خود دلشاد بودی فکر نکردی که مهریه عندالمطالبه است؟ بهترین کار این است که مادر زنت را تکریم کنی و دلش را به دست بیاوری تا او نیز کمکی کند و زندگی‌ات را از نابودی حفظ کند و والا باید ساکت را ببندی و خودت را به زندان معرفی کنی. در زندان فرصت کافی داری که اندازه پا و گلیمت را محاسبه کنی.

صد رنگ جنگ



افشار جابری

جیسون کال نماینده کنگره آمریکا گفت: ما اگر جنگی را محکوم می‌کنیم، باید همه جنگ‌ها را محکوم کنیم. یکی از مقامات عربستان ضمن اینکه به نوبت انگلستان بگفتی اش را در دهان می‌گذاشت عرض کرد: فکر کرده ما گاویم، او پس از کشیدن یک چک ادامه داد: ولی خدای عادت نشه براتون این دیگه بار آخره. این مقام عربستانی که اصرار داشت نامش فاش بشود از هزینه‌های بالای زندگی گلایه کرد و همان‌جایی که ایستاده بود نشست.

فعلاً از طرف اسرائیل در این مورد بیانی‌ای صادر نشده است، ولی آنها با بست پیشتاز یک چمدان برای آقای کال فرستاده و رویش نوشته‌اند: خوش گذشت! برخی این اقدام را به معنای پایان عمر سیاسی آقای کال می‌دانند و برخی دیگر گمان می‌کنند آقای کال در کنکور قبول شده است.

در نهایت یکی دیگر از اعضای کنگره آمریکا در مورد کال گفت: مو تو ماست سفید راحت پیدا می‌شه. وی که از واکنش حضار به وجد آمده بود اضافه کرد: تازه بنی آدم اعضای یکدیگرند.

کاو بازی



صاهر حبیبی

آقای پدر خوانده نماینده گاو است
در بند کسی نیست ولی بنده گاو است

بزغاله پرست و شتر و گوشت پرست است
انسانیتش سخت برانزده گاو است

از دنده چپ پا شده و قصد ندارد
اصلاح شود حیثیت که یکدنده گاو است

ماشین مخش را نتوانست براند
انصاف همین است که راننده گاو است

هر چند که از سفره ما گوشت بریده
شرمنده ما هرگز و شرمنده گاو است

دزدید ز لب‌های همه خنده که حالا
بر روی لب و لوجه او خنده گاو است

اینگونه اگر خورد کسی از قبل گاو
آینده او البته آینده گاو است



داوود افزاری کارنویست



رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی گاوداران؛ مافیای گوشت اجازه کاهش قیمت این کالا را نمی‌دهند

کش و قوس



علیرضا سعیدی

امروز، برخلاف ۹۳.۵ درصد مردم جامعه که بی‌تفاوت‌اند، خواستم با تفاوت باشم و با دوچرخه به محل کارم بروم. به دوچرخه‌ام تازه رسیده بودم و تازه دیروز از تعمیرگاه گرفتم. وقتی هنوز به یک‌سوم راهم نرسیده بودم که دوچرخه‌ام دود کرد! من همین شما دقیقاً نمی‌دانستم کجای دوچرخه است که دارد دود می‌کند... شده بودم منقل متحرک سیزده‌بدر! به ناچار با گرفتن مرخصی ساعتی، دوچرخه را بردم همان تعمیرگاه دیروزی. آقای سامانیانی، تعمیرکار دوچرخه، گفت: «من دوچرخه رو بدون آتیش تحویل دادم و هیچ مسئولیتی گردن من نیست.» مجبور شدم مرخصی روزانه بگیرم و بروم صنف دوچرخه‌سواران و دوچرخه‌سازان و از سامانیانی شکایت کنم؛ من را فرستادند پیش کارشناس. از اتفاق، کارشناس صنف هم فامیلی‌اش سامانیانی بود. سامانیانی شماره دو گفت: «چون خودتون آتیش رو خاموش کردین، باید به نامه از آتش‌نشانی بیارین.» من مرخصی روزانه را به مرخصی هفتگی تبدیل کردم و رفتم آتش‌نشانی یک مبلغی به حسابشان ریختم تا یک کارشناس به محل حادثه بفرستند. از اتفاق، کارشناس ارسالی هم فامیلی‌اش سامانیانی بود. با بررسی‌های فراوان این سه نفر، دوچرخه بنده مقصر شناخته شد و خوشبختانه خودم تبرئه شدم!

